

دکتر رابرت ای. پترسون، بشریت و گناه جلسه ۱۶، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲-۱۸ ادامه

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های بشریت و گناه است. این جلسه ۱۶، گناه نخستین، رومیان ۵: ۱۲ تا ۱۹، ادامه دارد.

ما مطالعه خود را در مورد گناه نخستین در متن کلاسیک آن، رومیان ۵: ۱۲ تا ۱۹، ادامه می‌دهیم.

ما در پنج دیدگاه رومیان ۵: ۱۳ ب‌گیر افتاده‌ایم. می‌خواهم آنها را در متن بررسی کنم و سعی کنم تفسیر کمتر خطاناپذیر خودم را ارائه دهم، اما فکر می‌کنم ایده خوبی است که پنج دیدگاه را مرور کنیم. دیدگاه انتقاد تند، اجتماعی می‌گوید، سردرگمی ما در اینجا، مشکل از آنجا ناشی می‌شود که پولس از زبان فنی انتقاد تند، یک ژانر استفاده می‌کند و اینکه او با یک حریف مدام در حال بحث و جدل است و ما باید برخی از آن کلمات دیگر را ارائه دهیم.

با احترام، من موافق نیستم. دیدگاه حس مطلق، که می‌گوید ما باید کلمات را دقیقاً به معنای واقعی کلمه در نظر بگیریم، به نظر من قطعاً اشتباه است، و به همین دلیل است که ما چهار دیدگاه دیگر داریم، زیرا وقتی معنای ساده و اصلاح‌طلبان معنی ندارد، از معنای ساده و ساده‌ی به اصطلاح آنها دور می‌شویم. و گفتن اینکه گناه برای آنها محسوب نمی‌شد، غیرممکن است.

مرگ در طوفان نوح، در نابودی سدوم و عموره وجود دارد. مرگ وجود دارد، گناه وجود دارد، همه به حساب می‌آیند. حس پنجم بین گناه و معصیت تمایز قائل می‌شود؛ من هم فکر نمی‌کنم درست باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد این دو بهترین هستند. موری و هندریکسون می‌گویند، بله، قانونی وجود داشت، اما آن قانون خدا بود که بر قلب نوشته شده بود، که در آیات ۱۴ و ۱۵ از آن صحبت شده است. شاید کم‌ضررتین، کم‌ضررتین، دیدگاه نسبی یا مقایسه‌ای کالوین و کرانفیلد باشد که اکنون وقتی سعی می‌کنم این موارد را کنار هم بگذارم، ارائه خواهم داد. اما این نکته واضح است.

در پایان، می‌گویم که آدم نمونه‌ی مسیح است. این واقعاً حیاتی است. و کلمه‌ی «گار» که برای معرفی، ۵: ۱۴ به کار می‌رود، به نوعی نشان می‌دهد که ۱۳ و ۱۴ آنچه را که او در ۱۲: ۱۲ گفته است، بیشتر توضیح ۱۳ می‌دهند، یعنی شرط ناقص، اگر بدون عبارت «آنگاه»، و این مربوط به گناه بشریت هنگام گناه آدم است.

بنابراین، همانطور که گناه به وسیله یک انسان وارد جهان شد و به وسیله گناه، مرگ آمد، مرگ نیز همه انسان‌ها را در بر گرفت، زیرا همه گناه کردند. زیرا گناه قبل از شریعت در جهان وجود داشت. گناه وجود داشت و گناهکاران نیز وجود داشتند.

اما، گناه در جایی که قانونی به معنای ممنوعیت وجود ندارد، مانند آنچه آدم و موسی داشتند، محسوب نمی‌شود. گناه در جایی که قانونی وجود ندارد، آنطور که در صورت وجود ممنوعیت، یک قانون مشخص محسوب می‌شود، محسوب نمی‌شود. با این وجود، از آدم تا موسی، مرگ بر کسانی که گناهشان مانند گناه آدم نبود، حکمفرما بود.

بنابراین برداشت من این است که پولس به گناه نخستین آدم به عنوان توضیحی اشاره می‌کند، نه برای وجود مرگ بین آدم و موسی، بلکه برای سلطنت مرگ بین آدم و موسی. او می‌گوید چون در آن زمان گناه وجود داشته است. و حدس بزنید گناه مستلزم چیست؟ مرگ.

اما در جایی که قانونی به روشنی ممنوعیت آدم یا ده فرمان موسی وجود ندارد، مرگ به حساب نمی‌آید همانطور که در جایی که قانونی وجود دارد. زیرا جایی که آن ممنوعیت وجود دارد، ای انسان، گناه با حروف پررنگ است. تو گناهکاری که ده فرمان را زیر پا گذاشته‌ای.

آدام، تو تنها ممنوعیتی که داشتی رو شکستی. این بهترین کاری بود که از دستم بر می‌ومد. در هر صورت، به این توجه کن.

مرگ از زمان آدم تا زمان موسی، حتی بر کسانی که گناهشان مانند گناه آدم نبود، حاکم بود. حتی بر کسانی که گناهشان مانند گناه آدم نبود، این نکته کاملاً واضح است: چه کسی ممنوعیت مستقیمی برای نقض آن نداشت؟ گناه آدم، که نمونه‌ای از آن کسی بود که قرار بود بیاید، یعنی مسیح.

این مهم است. آدم نمونه‌ای از مسیح است. یک نمونه، پیشگویی عهد عتیق از مسیح و انجیل است.

این یک شخصیت تاریخی، یک رویداد یا یک نهاد است. آدم نمونه‌ای از مسیح است. عبرانیان ۷. ملکیصدق نمونه‌ای از مسیح است.

رویداد. خروج نمونه‌ای از رستگاری است که عیسی به ارمغان می‌آورد. نهاد.

نبی، کاهن و پادشاهی، همگی نهادهایی هستند که توسط خدا مقدر شده‌اند و واقعیت تاریخی و اعتبار تاریخی دارند، اما در نقشه خدا فراتر از خودشان، از چیزی بزرگتر، یعنی عیسی، و نجاتی که او به ارمغان خواهد آورد سخن می‌گفتند. حال، من می‌دانم که در آیات ۱۵، ۱۶ و ۱۷ نیز چه می‌گذرد. آدم نمونه‌ای از کسی بود که قرار بود بیاید.

او با شروع از عدد ۱۲، شروع به مقایسه کرد و گفت که آدم و مسیح چگونه با هم متفاوت هستند. او مقایسه را کامل نکرد، بلکه در آن دو آیه عجیب، به نوعی به این موضوع پرداخت تا نشان دهد که زمان بین آدم و موسی، درباره انسان‌هایی است که سرنوشتشان به نوعی با گناه آدم مرتبط بوده است. و اکنون، او می‌گوید. این حس وجود دارد که آدم مانند مسیح است.

او فوراً عقب‌نشینی می‌کند، زیرا در سه آیه بعدی، نشان نمی‌دهد که آدم مانند مسیح است. این در آیات ۱۸ و ۱۹ آمده است. در سه آیه بعدی، او می‌گوید، آنها شبیه هم نیستند، آنها شبیه هم نیستند، آنها شبیه هم نیستند.

آدم نمونه‌ای از آن کسی بود که قرار بود بیاید. ۱۴، پایان. پولس صریحاً می‌گوید آدم نمونه‌ای از مسیح است، کسی که قرار بود در تحقق وعده‌های عهد عتیق بیاید.

این اولین اشاره به مسیح در این متن است. بنابراین، در مورد گناه نخستین است. نه، در متن وسیع‌تر، بیشتر. در مورد عادل‌شمردگی است.

اما این درباره گناه نخستین است. به یاد داشته باشید، من قبلاً استدلال کرده‌ام که این متن بیشتر به مسیح و رستگاری مربوط می‌شود تا آدم و گناه نخستین. در اینجا، رسول مسیح را به عنوان تکمیل آدم معرفی می‌کند، که به نوعی او را از قبل ترسیم کرده بود.

اما هدیه رایگان مانند خطا نیست. رسول بلافاصله مجبور می‌شود نشان دهد که آدم و مسیح چقدر، ۵:۱۵: متفاوت هستند و تأثیرات مربوط به آنها بر نسل بشر چیست. اما نه آنطور که خطا است، من به معنای واقعی کلمه ترجمه می‌کنم، اما نه آنطور که خطا است، هدیه رایگان نیز همینطور است.

منظور پولس این است که تفاوت‌های مهم زیادی بین گناه آدم و هدیه رایگان عدالت وجود دارد. آیه ۱۷، که مسیح آن را به ارمغان آورد. اول از همه، هدیه رایگان بسیار فراتر از اثرات گناه است، همانطور که گناه بزرگتر بر گناه کوچکتر غلبه دارد.

زیرا اگر به سبب گناه یک انسان، بسیاری مردند. این مقایسه بیان می‌کند که اگر گناه آدم وسیله یا علت مرگ، بسیاری بر مرگ یک انسان، یعنی آدم، شد، چقدر بیشتر نجاتی که به وسیله یک انسان، یعنی عیسی مسیح حاصل شد، برای بسیاری فراوان خواهد بود؟ من آن را بدون پرانتز می‌خوانم. اگر گناه آدم وسیله مرگ بسیاری شد، چقدر بیشتر نجاتی که به وسیله یک انسان، یعنی عیسی مسیح، حاصل شد، برای بسیاری فراوان خواهد بود؟ پولس صرفاً نمی‌گوید نجات، همانطور که در نقل قول من آمده است.

در عوض، او می‌گوید، نقل قول، فیض خدا و هدیه‌ای که از طریق فیض داده می‌شود، نقل قول نزدیک. این C روش پولس برای بیان هدیه‌ی بخشنده عدالت نجات‌بخش است. با کنار هم قرار دادن درک ما از آیات ۱۴ و ۱۵، متوجه می‌شویم که اگرچه آدم نمونه‌ای از مسیح است، اما گناه آدم بسیار متفاوت از هدیه‌ی مسیح است.

زیرا اگر به گناه آدم بسیاری مردند، چقدر بیشتر فیض خدا و عطیه فیض عدالت که به وسیله انسان دوم، عیسی مسیح، نازل شد، برای بسیاری فراوان گشت؟ گناه آمد، اما فیض و عدالت نجات‌بخش فراوان شد همین که می‌گوید آدم نمونه‌ای از مسیح است، که پایه و اساس تکمیل شرط ناقص ۱۲ است و کلید ۱۸ و ۱۹ است. او، او، او نمی‌تواند تحمل کند.

او نمی‌تواند بگذارد آدم و مسیح در یک نفس باشند. برو، فقط از کنارش رد شو. او، نه، نه، نه.

آنها شبیه هم نیستند. و او این را دو بار دیگر می‌گوید. در آیه ۱۶، یک بار دیگر، پولس عمداً می‌گوید که چگونه موهبت رایگان و اثرات گناه آدم بسیار متفاوت است.

و نه به عنوان گناه و مرگ، که از راه رسید و نه به عنوان گناه و مرگ، که از طریق کسی که گناه کرد، آمد. من نمی‌توانم نوشته‌ی خودم را بخوانم. ببخشید.

این یک هدیه است. هدیه رایگان مانند نتیجه گناه آن یک نفر نیست. نه مانند گناه و مرگ که از راه رسیدند.

وجود as اینجا یک حذف وجود دارد که با مقایسه دو بخش مقایسه می‌توان آن را دید. هیچ چیزی در عبارت مطابقت داشته باشد. از این متن، من گناه و مرگ را پیشنهاد می‌کنم که از so also ندارد که با هدیه عبارت طریق کسی که گناه کرده است، می‌آید.

همانطور که از مقایسه با نحو ابتدای آیه ۱۵ مشخص است، باید در اینجا ارائه شود. پولس در ادامه توضیح می‌دهد که این حکم در نتیجه یک گناه صادر شد و منجر به مجازات گردید. خداوند حکمی را در مورد گناه آدم صادر کرد.

نتیجه‌ی آن حکم، مجازاتی بود که پس از حکم می‌آید. در مقابل، این موهبت از گناهان بسیار به عادل شمرده ... شدن رسید. در اینجا، از وسیله‌ای در نتیجه‌ی

به معنایی متفاوت از آنچه در بند قبلی آمده است. در اینجا به معنای مبتنی بر [چیزی] است، به معنای ایجاد مبانی قانونی.

در اینجا، این به معنای پیامدی بخشنده در نقشه خداست. رسول مبهم نمی‌گوید. بین نحوه برخورد خدا با گناه در داوری و در فیض تفاوت‌هایی وجود دارد.

پولس از هویت زبانی صورت برای بیان تفاوت‌های معنایی استفاده می‌کند. پولس گناهی را که باعث سقوط بسیاری شد، در مقابل گناهان بسیاری قرار می‌دهد که با هدیه‌ی فیض بخش عادل شمرده‌گی بخشیده شدند.

گناه آدم، نژاد بشر را به تباهی کشاند. هدیه‌ای عاری از مسیح. کفاره‌ای برای گناهان بسیار.

و منجر به عادل شمرده‌گی می‌شود. پولس همچنین محکومیتی را که گناه انسان اول به بار آورد، با عادل شمرده‌گی‌ای که انسان دوم به بار آورد، مقایسه می‌کند.

دوستان من، از زمانی که در پایان فصل ۱۴ از آدم به عنوان نمونه‌ای از مسیح یاد شد، وقتی به ۱۸ و ۱۹ سالگی برسیم، خوشحال خواهیم شد. پولس این دو را در مقابل هم قرار داده است.

او این کار را دوباره در آیه ۱۷ انجام می‌دهد. زیرا اگر به سبب گناه یک انسان، مرگ از طریق او سلطنت می‌کند، به سبب گناه آدم، مرگ بر سایر انسان‌ها سلطنت کرد.

در اینجا، گناه یک نفر تأثیر زیادی بر بسیاری دارد. گناه آدم وسیله‌ای است که از طریق آن، متجاوز، یعنی مرگ، به عنوان پادشاه بر بشریت حکومت کرد. شاید تأیید شناسایی نه چندان قطعی ما از ۱۳ ب، بخش سخت ماجرا باشد.

پولس این فکر را کامل می‌کند. چقدر بیشتر کسانی که فیض فراوان را دریافت می‌کنند، و فراوانی موهبت عدالت از طریق یک مرد، یعنی عیسی مسیح، در زندگی حکمفرما خواهد شد.

اینجا پولس در بهترین حالت خود است. او در فیض خدا در عیسی مسیح تعالی می‌یابد. فکر اصلی او این است: چقدر بیشتر کسانی که هدیه عدالت مسیح را دریافت می‌کنند، از طریق مسیح در حیات جاودان سلطنت خواهند کرد. سلطنت حیات جاودان بسیار بزرگتر از سلطنت مرگ است.

یک بار دیگر، او تضاد بین دو آدم را نشان می‌دهد. خدا مرگ غاصب را بیرون رانده است. پولس سرزنده و شاد است.

فراوانی، فراوانی با حذف مرگ از طریق گناه آدم سلطنت کرد. چقدر بیشتر، از کوچک به بزرگ استدلال می‌کرد.

کسانی که فیض و توجیه را دریافت می‌کنند، در حیات جاودان در مسیح، از طریق مسیح، سلطنت خواهند کرد. آدم سلطنت مرگ را به ارمغان آورد.

مسیح سلطنت زندگی را به ارمغان می‌آورد. در اینجا، احتمالاً از منظر آخرالزمانی به آن نگاه می‌شود. زمان آینده سلطنت.

ضمناً، او این توازی را به طور بسیار مؤثری از بین می‌برد. او می‌گوید مرگ از طریق یک مرد حکومت می‌کند. او نمی‌گوید زندگی حکومت می‌کند.

او می‌گوید، کسانی که موهبت فیض و موهبت رایگان پارسایی را دریافت می‌کنند، سلطنت خواهند کرد.

پس این سلطنت مرگ است. و سلطنت قوم خدا در زندگی. زیباست.

آیه ۱۸. در آیات ۱۸ و ۱۹. هلولیاه.

پولس به بند «اگر» اصلی برمی‌گردد. به طور خلاصه، به عبارت «اگر» از آیه ۱۲ اشاره می‌کند.

«و آن را با عبارت» سپس «که مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدیم، کامل می‌کنیم. یک عبارت» پس آنگاه.

گویی تنها یک گناه. این منجر به محکومیت همه انسان‌ها شد. پولس با این استدلال خود، بحث خود را به یک نتیجه مهم می‌رساند.

از طریق گناه آدم. این منجر به محکومیت شد. برای همه مردان.

نتیجه محکومیت. این یک تله کوزه است. زیرا، با احترام و تکریم به همه انسان‌ها.

در اینجا گناه آدم، اساس محکومیت نژاد بشر است. همچنین، از طریق یک عمل صالح، این امر منجر به توجیه زندگی برای همه انسان‌ها شد.

این همچنین شباهت بین دو آدامز و اثرات مربوط به آنها را اثبات می‌کند.

بر نژادهایشان. مسیح، یک عمل پارسایی. به موازات یک گناه آدم.

پس از اینکه در آیات ۱۵، ۱۶ و ۱۷، آدم و مسیح را از هم جدا می‌کند، برای تکمیل مطلب به آیات ۵ و ۱۲ برمی‌گردد. من از نکته‌ی مهم انتهای آیه‌ی ۱۴ استفاده می‌کنم.

آدم نمونه‌ای از مسیح است. یعنی، آنها شبیه هم هستند. آنها از این نظر شبیه هم هستند که نماینده‌ی نژاد خود هستند.

دیدگاه من این است که گناه آدم مجازات را برای همه انسان‌ها به ارمغان آورد. پس عدالت مسیح نیز چنین است.

اعمال صالح، عادل شمرده شدن را به ارمغان آوردند. این به حیات برای همه انسان‌ها منجر می‌شود. مسیح، یک عمل صالح.

به طور خاص اشاره دارد. به وجود او، نقل قول، مطیع تا مرگ. حتی مرگ بر روی صلیب

فیلیپیان ۲:۸. مسیح مرگ را نجات می‌دهد. این با یک گناه آدم مطابقت دارد. پولس تعلیم می‌دهد که مسیح تا به مرگ مطیع است.

برای مؤمنان، عدالت نجات‌بخش فراهم شد. من در متن خودمان، در مورد مشکل همه و همه صحبت خواهیم کرد.

وقتی این را می‌خوانیم که ما به خاطر گناه آدم محکوم شده‌ایم. یا اینکه بسیاری از طریق مسیح نجات خواهند یافت، لبخند می‌زنیم.

این گفته‌ها با الهیات ما مطابقت دارند. با این حال، وقتی آن را می‌خوانیم، بسیاری با آدم سقوط کردند. یا همه با عدالت مسیح نجات خواهند یافت.

ما شروع به نگرانی می‌کنیم. آیا رومیان ۵ تعلیم می‌دهد که برخی تحت تأثیر سقوط قرار نگرفتند؟ فقط بسیاری؟ آیا رومیان، آیا جهان‌شمولی را تعلیم می‌دهد؟ همانطور که کارل بارت و متأسفانه شاگردش، کرانفیلد، مفسر بزرگ انگلیکان بریتانیایی.

برگزار شد. اگرچه بارت آن را انکار کرد. در زمینه‌ای دیگر، در بستری بزرگتر.

اگرچه انصافاً باید گفت که هر دو، جهان‌شمولی را با آموزه‌های کتاب مقدس در مورد داوری تطبیق می‌دهند. با این حال، آنها هنوز مرا راضی نمی‌کنند. فکر می‌کنم اگر در این متن، یا بسیاری یا همه را تحت فشار قرار دهیم، اشتباه کرده‌ایم.

نکته این نیست. وقتی پولس می‌گوید بسیاری، منظورش بسیاری است، نه همه.

او در این دو آیه حرف خودش را نقض نمی‌کند. «بسیاری «به جای» همه «به معنای» بسیاری «نیست. و همه «به جای» بسیاری «به معنای» همه «نیست»

"نه، نه، نه، نه". چند "یعنی همه". چند "یعنی تعداد زیاد در مقابل" یک

آدم یا مسیح. همه به معنی همه در مقابل یکی است. آدم یا مسیح

،وقتی پولس می‌گوید بسیاری، منظورش بسیاری در مقابل یک انسان، آدم، است. یا در مقابل یک انسان مسیح. او در حال تمایز قائل شدن بین یک و چند است.

منظور او از «بسیاران» «در مقابل» همه «نیست. وقتی پولس می‌گوید «همه»، منظورش «همه» «در مقابل یک انسان، یعنی آدم یا مسیح است. منظور او از «همه» «در مقابل» «بسیاران» «نیست»

این زبان زیبایی است که نشان می‌دهد این دو آدم تأثیرات فاجعه‌باری بر نژادهای مربوطه خود داشته‌اند. آدم، نژاد بشر. مسیح، نژاد برگزیدگان، نژاد مؤمنان

از این رو، هم «بسیاری» و هم «همه» عبارات نسبی هستند که از تأثیرات عظیم دو آدم بر نسل بشر سخن می‌گویند. برای تعیین میزان تأثیرات گناه آدم یا عدالت مسیح، باید به کل متن این متن و کتاب مقدس نگاه کنیم. گناه آدم بر کل نسل بشر تأثیر گذاشت.

را با ۲۳ همانطور که از این واقعیت که همه می‌میرند پیداست. ۳، ۹ را با ۲۰ مقایسه کنید. ۲۲.

عدالت نجات‌بخش مسیح برای همه کسانی که موهبت عدالت را دریافت می‌کنند، سودمند است، آیه ۱۷. در آیه ۱۹، پولس پیام خود را تکرار می‌کند. بسیاری عادل خواهند شد.

بعدی است. همانطور protasis این آیه با آیه قبلی موازی است. این یک عبارت مقایسه‌ای با عبارت شرطی. که از طریق نافرمانی یک مرد، بسیاری گناهکار شدند.

از طریق نافرمانی آدم، قوم او گناهکار شدند. گناه آدم به عنوان وسیله‌ای که نژاد او گناهکار شد، ارائه شده است. نژاد او در اینجا با کلمه «بسیار» مشخص شده است، اما در واقع، به معنای کل نژاد بشر است.

این در مقابل یک آدم، کثیر است، اما آن کثیر بودن، مقدار دقیق را به ما نمی‌گوید. پولس این مقایسه را کامل می‌کند. به همین ترتیب، از طریق اطاعت یک مرد، بسیاری عادل خواهند شد.

در اینجا پولس عمداً آدم دوم را در مقابل آدم اول قرار می‌دهد. اطاعت مسیح، نافرمانی آدم را جبران می‌کند. بسیاری از طریق آدم گناهکار شدند، اما بسیاری از طریق مسیح عادل خواهند شد.

این تشابه غیرقابل انکار است. اطاعت مسیح در رفتن به صلیب، وسیله‌ای است که قوم او از طریق آن عادل خواهند شد. عادل شمردگی در اینجا به عنوان امری آینده ارائه شده است و عادل شمرده خواهد شد.

ما معمولاً عادل شمردگی را به گذشته و حال ربط می‌دهیم. به محض اینکه کسی ایمان می‌آورد، توسط خدا عادل اعلام می‌شود. آیه ۱۹، همانطور که متی ۱۲:۳۶، ۳۷ می‌گوید، عادل شمردگی جنبه‌ای در آینده نیز دارد.

عادل شمردگی هنوز به معنای تسویه حساب نهایی در دادگاه خدا نیست. عدالت خدا سرانجام در برابر کائنات اثبات خواهد شد. در آن روز، شیران به حق محکوم خواهند شد، رومیان ۵:۲. و عادلان، عادل اعلام خواهند شد، رومیان ۵:۱۹.

می‌توان این موارد را کنار هم گذاشت و گفت که اعلام کنونی عادل شمردگی در انجیل، پیش‌بینی حکم روز آخر است. یوحنا ۳، ۱۷ و ۱۸ را مقایسه کنید. اگر این برداشت از عهد جدید درست باشد، فوریت زیادی به موعظه‌ی انجیل توسط ما اضافه می‌شود.

مردان و زنان لازم نیست تا روز آخر منتظر بمانند تا حکم نهایی خدا را بشنوند. بر اساس پاسخ عیسی مسیح اکنون می‌توانند از اعلام نهایی قاضی مطمئن باشند. 5.20، پولس مقایسه صریح خود از دو آدم و تأثیرات آنها. بر قوم مربوطه را به پایان رسانده است.

در آیات ۲۱ و ۲۲، او شریعت و فیض را در تدبیر خدا در مقابل هم قرار می‌دهد. شریعت آمد تا گناه افزایش یابد. شریعت موسی، آیات ۱۳ و ۱۴ را مقایسه کنید.

نه تنها گناه را آشکارتر کرد، بلکه در واقع به تحریک گناه نیز کمک کرد. تا حدودی حقیقت در سخنان خانم مسنی وجود دارد که وقتی کشیشش در مورد ده فرمان موعظه می‌کرد، شکایت می‌کرد: کشیش، چرا باید بروی

و همه آن ایده‌های بد را در ذهن مردم قرار دهی؟ به دلیل گناهکار بودن ما، ممنوعیت ما را به گناه تحریک می‌کند.

و این فقط در مورد بچه‌های کوچک صادق نیست. آیا به او می‌گوییم که به آن چیز دست نزنند؟ او احتمالاً هرگز به فکر دست زدن به آن نمی‌افتد. اگر این کار را نکنم، دارم این ایده را در ذهنش فرو می‌کنم.

اوه، اوه. البته، قانون الهی است. به دلیل گناهکار بودن ما، ممنوعیت ما را به گناه تحریک می‌کند.

البته، شریعت یک آشکارساز گناه الهی است که باعث می‌شود گناه به عنوان گناهی بسیار گناه‌آلود تشخیص داده شود. پولس در ادامه توضیح می‌دهد که فیض خدا از تمام گناهان ما بیشتر است. اما جایی که گناه افزایش یافت، فیض خدا بیشتر افزایش یافت.

توجه کنید که پولس چگونه در اینجا از گناه و عصیان به عنوان مترادف استفاده می‌کند. نباید آنها را به عنوان راه حلی برای متن سخت از هم متمایز کرد. پولس با نشان دادن اینکه چگونه خدا آن را به وفور به قوم خود ارزانی داشته است، فیض خدا را بزرگ می‌دارد.

خدا اجازه نمی‌داد دشمن، یعنی گناه، او را شکست دهد. فیض او انبوه گناهی را که توسط شریعت برانگیخته شده بود، فرو بلعید. ۲۱، این یک عبارت مقایسه‌ای در یک عبارت هدف است.

فراوانی فیض در آیه ۲۰ به منظور برقراری سلطنت فیض بود. سلطنت گناه، سلطنت عدالت، سلطنت فیض. در اینجا احکام زیادی وجود دارد.

غاصب، گناه و مرگ توسط پادشاه برحق، گریس، سرنگون شدند. همانطور که گناه با مرگ یا به وسیله مرگ سلطنت کرد، گناه و مرگ. گناه و مرگ از طریق گناه، آیه ۱۲، سلطنت شیطانی بر بشریت اعمال کردند.

می‌توانیم از خدا سپاسگزار باشیم که در عبارت مقایسه‌ای، یک عبارت «آنگاه» وجود دارد. بنابراین، فیض نیز می‌تواند از طریق عدالت برای حیات جاودان، از طریق عدالت برای حیات جاودان، از طریق عیسی مسیح پروردگار ما، سلطنت کند. این اولین اشاره رسول به هر یک از دو آدم در آیات ۲۰ و ۲۱ است.

با این حال، او آنها را کاملاً پشت سر نگذاشته بود. او فقط تصویر خود، تمرکز اصلی تصویر خود را، به جای گناه، به فیض خدا تغییر داده بود. گناه و مرگی که در آیات ۲۱ و ۲۲ از آن صحبت می‌شود، نتیجه گناه انسان اول است.

همانطور که آیه ۲۱ نشان می‌دهد، فیض از مسیح جدا نیست، در برابر سلطنت زشت گناه و مرگ. فیض از طریق عدالت به تخت سلطنت می‌رسد، نقل قول، نقل قول نزدیک. پولس در اینجا نشان می‌دهد که، نقل قول، از طریق موهبت عدالت است که فیض سلطنت می‌کند، کرانفیلد.

خدا نه تنها در رومیان ۵، بلکه در باب ۳ نیز نمی‌توانست صرفاً گناه را نادیده بگیرد. او خدایی عادل است که فیضش از طریق عدالت نجات می‌بخشد. نتیجه سلطنت فیض، حیات جاودان است. این حیات جایگزین مرگی می‌شود که همراه گناه بود.

کرانفیلد، خداوند ما از طریق عیسی مسیح نشان می‌دهد که از طریق اوست که سلطنت فیض برقرار و پایدار می‌شود. نمودار زیر می‌تواند به ما در درک مقایسه و تضاد آدم و مسیح کمک کند. اینجا آدم است و اینجا مسیح.

عناوین عبارتند از عمل، ای وای، حکم خدا، و نتیجه. من قصد دارم این نمودار و پیامدهای آن را توضیح دهم، و اینجا یک نعمت واقعی وجود دارد. سپس، سخنرانی بعدی به دیدگاه‌های مربوط به گناه نخستین و ارزیابی آن می‌پردازد.

عمل، عمل آدم در این متن به طرق مختلف گناه، تجاوز یا سرپیچی، و نافرمانی نامیده می‌شود. من خلاصه می‌کنم. عمل آدم یک عمل گناه بود.

حکم خدا: خدای مقدس و عادل با توجه به گناه آدم چه حکمی باید بدهد؟ شکی نیست. گناهکار، محکوم، محکومیت حکم است. نتیجه در این متن بارها و بارها به وضوح مرگ است، مرگ جسمی و روحی.

بنامید C پولس درست می‌گوید. آدم نمونه‌ای از آن کسی است که قرار است بیاید. رومیان ۱۴:۵، آن را یعنی پایان.

اگر تنها عمل آدم گناه، نافرمانی یا تخلف بود، عمل مسیح در این متن عدالت یا اطاعت نامیده می‌شود. تنها عمل عدالت مسیح، تنها گناه، یک عمل نافرمانی، یک تجاوز یا جرم آدم را باطل می‌کند. خدای مقدس و عادل در پرتو عدالت مسیح چه حکمی باید صادر کند؟ فقط یک حکم وجود دارد و آن حکم، عادل‌شمردگی است.

گناهکارترین و پست‌ترین کسی که واقعاً توبه کند و به عیسی ایمان بیاورد، همان حکمی را دریافت می‌کند که هر مؤمن دیگری به عیسی دریافت می‌کند. من با احترام صحبت می‌کنم. خدا باید هر کسی را که به عیسی ایمان بیاورد، عادل اعلام کند.

این الزام، یک مقایسه، اجبار خدا از بیرون، فشار خارجی بر او، یا یک الزام خارجی نیست. نه، خدا از احترام گذاشتن به پسرش لذت می‌برد، و از آنجا که مرگ پسرش کفاره‌ای بود، زیرا این یک عمل عدالت بود، رومیان 5:18-19، تنها یک حکم وجود دارد که یک خدای عادل و مقدس می‌تواند صادر کند، و او، 26:24-3 باید آن را صادر کند تا برای خودش و کار پسرش صادق باشد. حکم عادلانه است.

توجیه، توجیه. از نظر کتاب مقدس، محکومیت و توجیه دقیقاً متضاد یکدیگرند. خدا باید گناه آدم را محکوم کند، و چیزی به عنوان گناه اولیه در کتاب مقدس تعلیم داده شده است.

بعضی‌ها آن را دوست ندارند. خب، چه کسی گفته که آنها باید هر چیزی را که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد دوست داشته باشند؟ جهنم ابدی چیزی نیست که ما به طور خاص دوست داشته باشیم، اما ما تسلیم آن می‌شویم زیرا آموزه کلام مقدس خداست. به همین ترتیب، یک گناه آدم، حکم محکومیت خدا را بر نسل بشر به ارمغان آورد، و یک عمل صالح مسیح، قربانی کفاره او به درگاه پدر، حکم ضروری خدا را برای توجیه هر کسی که به عیسی ایمان آورد، به ارمغان آورد.

نتیجه، همانطور که گناه آدم حکم محکومیت خدا را به همراه داشت و نتیجه آن مرگ، چه جسمی و چه روحی، بود، عدالت مسیح حکم عادل‌شمردگی خدا را می‌طلبد که نتیجه آن حیات ابدی برای هر کسی است که به پسر خدا ایمان می‌آورد.

دفعه بعد دوباره این نمودار را خلاصه خواهم کرد. در سخنرانی بعدی، با ارائه دیدگاه‌های گناه اولیه، ارزیابی آن و در نهایت، برخی از کاربردهای عملی و معنوی آن برای زندگی‌مان آشنا خواهیم شد. از شما به خاطر پشتکارتان در طول سخنرانی پرزحمت در مورد رومیان ۱۲:۵-۱۹ متشکریم.

،این دکتر رابرت ای .پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است .این جلسه شماره ۱۶ ،گناه نخستین، رومیان ۵، آیات ۱۲-۱۹، ادامه دارد